

ایران آماده ورود به بازی می‌شود



جستجو
برای نفت و گاز
دریای خزر و

این کشورها شکوه دارند که شبکه خطوط لوله نفت و گازی که از روسیه می‌گذرد، غیرقابل اتکا است. حتی خطوط پیشنهادی روسیه که از چین و گرجستان می‌گذرد، برای این کشورها جاذبه‌ای ندارد. در هر حادثه‌ای ممکن است روند کار در پایانه‌های صادراتی نفت در دریای سیاه به خاطر ملاحظات امنیتی و حفظ محیط زیست تنگه پر رفت و آمد بسفر مختل شود.

برای آذربایجان که انتظار افزایش بسیار زیاد صادرات نفت و گاز خود را دارد، فروش پانصد هزار بشکه نفت در روز تا سال ۲۰۰۵ تنها از ارمنستان به ترکیه امکان‌پذیر است. اما این مسیر پیشنهادی برای جمهوری آذربایجان به مثابه گیر کردن لقمه در گلو است. زیرا ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ در ستیز هستند.

آمریکا و سایر کشورهای غربی تلاش‌هایی را انجام می‌دهند تا دو کشور ارمنستان و آذربایجان را به توافق برسانند. اما به نظر می‌رسد که امکان چنین توافقی به این زودی‌ها میسر نیست.

در مسیر افغانستان...

از سوی دیگر، از ۱۹۹۶ مذاکراتی طولانی بین شرکت نفتی یونیکال و شرکت نفتی دلتای عربستان سعودی با گروه شبه نظامی طالبان در افغانستان جریان دارد. در این مذاکرات تلاشی مایوسانه را برای یافتن مسیری غیر از روسیه می‌توان مشاهده کرد.

پیش‌نویس یک توافق‌نامه دو میلیارد دلاری در اواخر ماه اکتبر بین طالبان و دو شرکت فوق‌الذکر امضاء شد، اما تا امنی در افغانستان، اجرای این توافق‌نامه را در قلمروی آرزوهای تحقق نیافته

آرزوهای سرمایه‌گذاران نفتی، منابع حوزه دریای خزر نتواند جایگزین کاملی برای نفت خلیج فارس باشد، اما انرژی‌های نهفته در این منطقه حاوی بیشترین غلظت هیدروکربن‌ها در جهان است. به رغم اهمیت کشورهای تولیدکننده نفت

خلیج فارس، کشورهای حوزه دریای خزر را نیز از لحاظ سیاسی نباید دست‌کم گرفت. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا و غرب بر نیاز به ثبات سیاسی و اقتصادی در منطقه دریای خزر تأکید ورزیده‌اند و کوشیده‌اند تا ضمن تسریع در اضمحلال امپراتوری شوروی، از گسترش دولت‌هائی اسلامی در آسیای مرکزی جلوگیری کنند.

در چنین روندی شرکتهای غربی برای بستن قراردادهای دهها میلیارد دلاری به دریای خزر هجوم آوردند. در این میان چین در قزاقستان با امضاء قراردادی که آن را «توافق قرن» نامیده است، رقبای غربی خود را بهت زده کرد!

در مورد قراردادهای و نقشه‌های استخراج و تولید، این دشواری مطرح بود که چگونه باید این نفت و گاز با ارزش را از منطقه خزر به اروپا و آنسوی خلیج فارس رساند؟ این پرسش آزاردهنده و نگران‌کننده همچنان مطرح بود تا آنکه امسال آمریکا اعلام کرد که خط لوله گاز از ترکمنستان به ترکیه و اروپا که از ایران می‌گذرد، مقررات تحریم را نقض نمی‌کند. بدین ترتیب به ایران و مسیر گاز و نفت آن امکان داده شد تا برای صادرات انرژی دریای خزر اهمیتی حیاتی بیابد.

جمهوری‌های سابق شوروی که در مجاورت دریای خزر قرار دارند خواهان کاهش و یا حتی قطع وابستگی خود به روسیه هستند.

مسیرهایی مطلوب برای صادرات آنها در راستای کاهش وابستگی به منابع انرژی خلیج فارس انجام می‌شود. از این رو در سالهای اخیر در نقشه‌های منطقه‌ای، مسیر خطوط لوله انتقال نفت و گاز جایگاه ویژه‌ای یافته است.

امسال، نقشه‌های جغرافیائی خریداران نفت و گاز مورد دستکاری قرار گرفت تا ایران را به عنوان مسیر اصلی انتقال نفت و گاز استخراج شده از دریای خزر بگنجانند. طبق نقشه‌های امسال، نفت دریای خزر از طریق ایران به خلیج فارس، مدیترانه و اروپا ارسال می‌شود.

ظهور ایران به عنوان دروازه اصلی و قابل اتکای منطقه دریای خزر و حوزه نفتی آن در خط مشی نوین آمریکا جای تازه‌ای باز کرده است. شرکتهای آمریکائی، بزرگترین سرمایه‌گذاران حوزه‌های نفتی دریای خزر هستند و هر چند خط مشی آمریکا نسبت به ایران در حال دگرگونی است اما چون هنوز نتیجه‌ای که در پایان این مذاکرات حاصل می‌شود معلوم نیست، لذا شرکتهای نفتی آمریکائی با احتیاط مذاکرات خود را با طرف‌های ایرانی آغاز کرده‌اند و هم‌اینک دست‌کم یک معامله نفتی بین یک شرکت آمریکائی بین‌المللی و ایران در حال جوش خوردن است. بعضی از شرکتهای دیگر آمریکائی نیز با این امید به طور خصوصی و دور از چشم اغیار مشغول مذاکره با ایران هستند که روزی (هر چه زودتر) تحریم و نگرش منفی دولت آمریکا دگرگونی بنیادی یابد و آنها در چنان روزگاری جزو «نخستین‌ها» باشند.

انرژی و درآمد مالی هنگفتی در حوزه نفتی دریای خزر آماده استفاده است. شاید بر خلاف

ارتباطات ایران از طریق خطوط لوله

ایران با ترکمنستان و ترکیه برای ساخت خط لوله ۳۲۰۰ کیلومتری برای حمل ۳۰۰۰۰ میلیون متر مکعب گاز ترکمنستان در سال به توافق رسیده است. گروه رویال دوچ / شل در حال مذاکره در مورد احداث خط لوله‌ای برای همین منظور است.

ایران همچنین معامله‌ای دو سویه در راستای واردات گاز از ترکمنستان برای مصارف داخلی خود و نصب خط لوله‌ای کوتاه برای این منظور را تقریباً به اتمام رسانده است. از میدان گاز ایران خط لوله‌ای به ترکیه در حال نصب است. این دو خط لوله حاقیت به خط لوله ترکمنستان - ایران وصل می‌شود.

چین با قزاقستان هم بر سر احداث خط لوله انتقال نفت به ایران به توافق رسید، و بدین ترتیب تبادل نفت را در بنادر ایران در دریای خزر و خلیج فارس میسر ساخت. چین همچنین قصد دارد برای تسهیل صادرات نفت و گاز قزاقستان خط لوله طولانی تری را در داخل ایران تا خلیج فارس احداث کند.

نگه می‌دارد.

برخلاف راه‌های دشواری که برشمردیم، ایران برای تولیدکنندگان نفت دریای خزر ثبات سیاسی و دسترسی مستقیم به خلیج فارس، ترکیه و اروپا را فراهم می‌کند.

در هر حال، اروپا چندان مشتاق نیست که تماماً به ایران وابسته شود و تا به این لحظه آمریکا هم ظاهراً به ایران روی خوش نشان نداده است.

در اواخر ماه اکتبر، هنگامی که آذربایجان و روسیه با هیاهو بازگشایی خط لوله تازه تعمیر شده نفت چچن را اعلام کردند، اهمیت حیاتی یافتن مسیر امن برای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی بروز کرد. از این خط لوله تازه تعمیر تا پایان ۱۹۹۷، در مجموع ۱۲۰۰۰۰ تن نفت ارسال می‌شود که در مقایسه با خط لوله بین‌المللی نفت آذربایجان که قرار است تا پایان سال ۱۹۹۸ راه‌اندازی شود، ناچیز است. این خط لوله بین‌المللی نفت آذربایجان که به (AIOC) موسوم شده قادر خواهد بود تا ۱۱۰۰۰۰ بشکه نفت را در روز انتقال دهد.

جمهوری آذربایجان برای کشیدن خط لوله جدید نفت به بندر مدیرانه‌ای ترکیه، یعنی سی حال (CEYHA) به ایران نیازمند است. اما در این مورد آذربایجان دست به عصا رفتار می‌کند و قصد ندارد به قیمت آزدن آمریکا به ایران نزدیک شود، زیرا دو سال پیش بر سر کنسرسیوم بین‌المللی خط لوله (AIOC) فوق‌الذکر به خاطر دعوت از ایران به سرمایه‌گذاری، از آمریکا پشت دستی خورد!

اما اکنون با تغییر نگرش آمریکا نسبت به خط لوله گاز و نفت ترکمنستان که از ایران می‌گذرد، مقام‌های جمهوری آذربایجان دلگرم شده‌اند. زیرا آمریکا در مورد آذربایجان نمی‌تواند استثناء قائل شود. اگر خط لوله ترکمنستان در ایران امنیت دارد، پس لابد برای خط لوله آذربایجان هم چنین امنیتی وجود دارد.

عبور خط لوله گاز ترکمنستان از ایران به منزله پذیرش واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی منطقه است.

حتی در ۱۹۹۵، که بیل کلینتون تحت فشار کنگره تحریم‌های یک طرفه علیه ایران را تحمیل می‌کرد، شرکت‌های آمریکایی فعال در منطقه خزر

را که در معاملات پایاپای نفتی در ایران دست‌اندر کارند، استثناء کرده بود. این شرکت‌ها در بندرهای دریای خزر نفت تحویل می‌دهند و معادل آن در خلیج فارس تحویل می‌گیرند.

در واقع، قزاقستان برای آزمایش، مقادیر اندکی از محموله‌های نفتی خود را به ازای مقادیر مساوی نفت خام در خلیج فارس از طریق ایران صادر کرده است. پس از ماه جولای که دولت آمریکا در مورد خط لوله ترکمنستان تغییر موضع داد قزاقستان توجه خود را به طرح خط لوله ایران- خلیج فارس معطوف کرد. مقام‌های قزاق به کشورهای حاشیه خلیج فارس سفر کرده‌اند تا منابع مالی لازم برای این

طرح را فراهم کنند.

دست کم از لحاظ جغرافیایی، ایران بخشی از معادله صادرات انرژی منطقه است.

اکنون که آمریکا در مورد تحریم ایران تغییر روش داده است، این پرسش پیش می‌آید که ایران چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

مقام‌های حمل و نقل و نفت ایران چنان سخن می‌گویند که به نظر می‌رسد کل صادرات نفت دریای خزر را در اختیار دارند. اخیراً، مقام‌های ارشد ایرانی اعلام کردند که ایران ظرفیت مبادله نفت با آذربایجان و قزاقستان تا مرز هشتصد هزار بشکه در روز را دارد. اما بر سر راه دریافت نفت از آذربایجان و قزاقستان، و تحویل مقادیر مساوی در خلیج فارس موانع تدارکاتی و فنی در شمال ایران وجود دارد.

در حال حاضر ایران ظرفیت انتقال و تبادل بیش از صد هزار بشکه نفت در روز را ندارد.

وزیر نفت ایران در مراحل مختلف سه دلار را (که قیمت ارزانی است) برای حمل نفت قزاقستان پیشنهاد کرده است.

شرکت سکو ایران

سکو secco

تحت لیسانس کارخانجات سکو ایتالیا

تولیدکننده:

پروفیل، در، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه‌ای، سقف کاذب و نرده، از سیستم پیش ساخته و پیش رنگ شده

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلای شمالی، شماره ۲۶۴، ساختمان سکو
تلفن: ۸۸۰۱۸۱۷ - ۸۹۳۸۶۶ - ۸۹۶۶۷۸
۸۸۰۱۹۰۳ - ۸۹۴۹۵۶
تلکس: SEIR ۲۱۴۳۲۷ فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

بازیگران اصلی

آذربایجان

بازیگران اصلی بریتیش پترولیوم (BP) و کنسرسیوم بین‌المللی عملیات نفت آذربایجان به هدایت شرکت استات اویل هستند. این بازیگران سه میدان ساحلی آذری، شیراک (CHIRAG) و گان‌شلی (GUNESHLI) را از ۱۹۹۴ تاکنون در دست توسعه دارند.

بریتیش پترولیوم و استات اویل، که عمدتاً آمریکائی و اروپائی هستند در کنار شرکت‌های ژاپنی، ترکیه‌ای و ایرانی در چند حوزه نفتی دیگر نظیر شاخ نیز، قره باغ، آپشرون شمالی و لنکران - تالش فعال هستند.

قزاقستان

بزرگترین میدان نفت و گاز تنگیز TENGIZ است که در آنجا بنگاه اقتصادی شورون (CHEVRON) و موبیل (MOBIL) آمریکائی در کنار لوک اویل (LUKOIL) روسی سرگرم کارند. تولید فعلی روزی ۱۶۰۰۰۰ بشکه قرار است به ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ برسد. شرکتهای نفت و گاز آمریکائی، اروپائی و روسی در حوزه دریای خسزر ساحل قزاقستان و قزاقاناک (KARACHAGANAK) طالب تشکیل کنسرسیوم‌های مختلف هستند.

در این میان شرکت ملی نفت چین در ماه اکتبر با امضای یک قرارداد چهارصد میلیون دلاری مجوز استخراج نفت در حوزه میدان نفتی ازبکستان را بدست آورد و گوی سبقت را از رقبای غربی ربود.

خط آهنی نزدیک مرز آذربایجان وجود دارد و شبکه راه‌آهن ایران نیز سال گذشته به شبکه راه‌آهن شوروی سابق در ترکمنستان وصل شد، اما مقادیری از نفت که با این امکانات حمل شود بسیار محدود خواهد بود، زیرا امکانات راه‌آهن ایران اندک است و نیز پایانه‌های بارگیری نفت خام در بندرعباس وجود ندارد. پایانه اصلی صادراتی جزیره خارک اکنون کمتر از ظرفیت آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، زیرا تأسیسات آن می‌تواند حدود دو میلیون بشکه نفت خام دریای خزر را در خود جای دهد اما برای

این کار هم به سرمایه‌گذاری هنگفت ایران و خارجی‌ان نیاز است. وانگهی تغییر نگرش غربی‌ها نسبت به ایران هم برای این نوع سرمایه‌گذاری لازم است که البته به این زودی امکان‌پذیر نیست.

ایران برای حفظ سهم خود در بازار اوپک مایل نیست مقادیر زیادی از نفت دریای خزر وارد بازار جهانی شود، اما بسیار علاقمند است که عضو مهم در معادله انرژی دریای خزر باشد.

مقام‌های وزارت نفت در ایران توسعه منابع نفت و گاز دریای خزر را گریزناپذیر می‌دانند، اما رهبران ایران مشخص کردند که منافع راهبردی (استراتژیک) بزرگتری را در دریای خزر دنبال می‌کنند.

به نظر می‌رسد که تهران آماده فداکاری مالی در کوتاه مدت باشد، مشروط بر آنکه خط لوله‌های نفت و گاز آسیای مرکزی از این کشور بگذرد و انزوای این کشور عملاً ناممکن شود.

در عمل، آینده صادرات انرژی دریای خزر و نقش ایران بستگی به چگونگی پیشرفت پروژه خط لوله گاز ترکمنستان-ایران-ترکیه دارد.

گروه نفتی رویال دوچ / شل پس از تغییر روش واشنگتن در ماه جولای در مورد خط لوله ایران، مذاکراتی را با کشورهای حوزه دریای خزر

آغاز کردند.

با آنکه چند راه برای خط لوله مطرح است اما

عبور خط لوله گاز ترکمنستان از ایران به مسزنله پذیرش واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی منطقه از سوی غربیها است.

ایران بهترین، مناسبترین کوتاهترین و ارزانهترین مسیر برای خط لوله‌های نفت و گاز است که تا پایان سال جاری میلادی به قلمروی ترانزیت نفت و گاز آسیای مرکزی تبدیل می‌شود.

مأخذ: مید - ۷ نوامبر ۱۹۹۷

برگردان از سرویس ترجمه «گزارش»

دائری‌های ثابت دریای خزر

ذخائر نفتی در سه حوزه نفتی دریای خزر در سواحل آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان تا حدود ۲۰۰۰۰ میلیون بشکه تخمین زده می‌شود. این سه کشور، شاید در خارج از این حوزه‌ها، ده هزار میلیون بشکه دیگر نفت ذخیره داشته باشند.

در کل، تخمین زده می‌شود در حوزه شمال ایران در دریای خزر ۳۰۰۰۰ میلیون بشکه نفت برای استخراج وجود داشته باشد. اما در خوشبینانه‌ترین تخمین، صد هزار میلیون بشکه نفت می‌تواند با ذخائر نفت ایران و عراق رقابت کند.

اگر این ذخائر در حوزه دریای خزر به اثبات برسند شاید یک سوم منابع نفت عربستان سعودی را تشکیل دهند و در نتیجه بخش کوچکی از نفت اوپک را در برمی‌گیرد. بعضی از کارشناسان آمریکائی می‌گویند با احتساب ذخائر احتمالی دیگر ۱۵۰۰۰۰ میلیون بشکه هم اضافه خواهد شد و کل منابع نفتی حوزه دریای خزر به ۱۸۰۰۰۰ میلیون بشکه خواهد رسید.

ذخائر گاز در منطقه دریای خزر بیش از نفت اهمیت دارد زیرا از طریق خط لوله قابل انتقال به اروپا و چین است.

ترکمنستان و ازبکستان دارای بزرگترین میادین گاز جهان هستند و در داخل هم کمترین مصرف برای این گاز طبیعی وجود دارد.

از لحاظ نفتی، کشورهای حوزه دریای خزر شاید تا پایان قرن حاضر یک میلیون بشکه و تا یک دهه دیگر ۲ تا ۳ میلیون بشکه نفت در روز به جهان عرضه کنند. در بهترین و خوشبینانه‌ترین پیش‌بینی‌ها تولید نفت کشورهای حاشیه دریای خزر ظرف ده سال آینده از ۶ میلیون بشکه در روز تجاوز نمی‌کند. که حتی این رقم ۶ میلیون بشکه در روز در مقایسه با ۲۵ میلیون بشکه در روز اوپک رقم قابل ملاحظه‌ای نیست. اما ذخائر گاز این منطقه نامحدود است و جهان به آن نیازمند خواهد بود.